

جمع‌شیفتگی: مبالغه در تصویر فرقه؛ تبارها و پی‌آمدهای آن

اگنس گولک، استاد دانشگاه گولداسمیت لندن

ترجمه: مهدی پرنیانچی



جمع‌شیفتگی ریشه در باور فرد به عظمت اغراق‌آمیز تصویر بیرونی فرقه خود دارد [۱]. با چنین تعریفی، مفهوم خودشیفتگی فردی تا منتهای اجتماعی خود می‌رود؛ یعنی تمثال اغراق‌شده‌ی فرد از خود، که نیز وابسته به مورد ستایش قرار گرفتن نزد دیگران است. [۲] کسانی را می‌توان مبتلا به جمع‌شیفتگی دانست که معتقدند قدر و اهمیت فرقه آنها به میزان کافی از سوی دیگران دانسته نشده است. آنها مسمم هستند که فرقه‌شان نوع خاصی از به‌رسمیت‌شناسی و احترام را کسب کند. این جمع‌شیفتگان بیش از آنکه حتی انرژی‌شان معطوف به بهروزی فرقه خود باشد، مشغول این

هستند که آیا یگانگی و عظمت فرقه‌شان به قدر کافی توسط دیگران به رسمیت شناخته می‌شود و مورد تأیید قرار می‌گیرد یا خیر.

تئودور آدورنو درباره جمع‌شیفتگی می‌گفت که در آلمان راه را برای حمایت از نازی‌ها هموار کرد. او معتقد بود که این اغراق در حق‌به‌جانب بودن در نسبت با ملیت، جایگزینی برای ضعف‌های پنهان خود است. حرف او این بود که ایگوهای ضعیف با حل شدن در یک فرقه‌ی قدرقدرت و مطلوب به دنبال محافظت در برابر احساس بیگانگی، ناتوانی و خودسرزنش‌گری بودند. متأسفانه زمانی که چنین احساسی از سوی مقامات ملی هم مشروعیت پیدا کرد، این جمع‌شیفتگی مهار نشده منجر به حمایت از رهبری متجاوز، و تشدید کینه‌های میان‌فرقه‌ای شد [۳]. اخیراً نیز این طلب جمع‌شیفتگی را می‌توان در کمپین‌های سیاسی نظیر آنکه در آمریکا (America Great Again Make) نسبت به ازدست‌رفتن عظمت ملی هشدار می‌دهد یا در انگلستان (Take back control) دید. جمع‌شیفتگی در انگلستان و تلقی اینکه کشور توسط خارجی‌ها و مهاجران مورد تهدید است، رأی برگزیت را نوید می‌داد [۴]. این جمع‌شیفتگی بود که به بارور شدن توهم‌توطئه در زمان کمپین ریاست جمهوری ترامپ و رأی او در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا دامن زد.

این مطالعه پژوهش‌های پیشینی را بررسی می‌کند که به ارزیابی ارتباط بین جمع‌شیفتگی و کینه‌ورزی نسبت دیگر فرقه‌ها پرداخته‌اند. سپس به بررسی نتایج اخیر در نسبت با این مفهوم و ماهیت تلافی‌جویانه آن می‌پردازد و مفهوم رضایت درون‌فرقه‌ای، یعنی افتخار به عضو بودن در یک فرقه یا گروه را از مفهوم جمع‌شیفتگی متمایز می‌سازد. با این حال در ابتدا، به بررسی دو مفهوم جمع‌شیفتگی ملی و تفاوت آن با مفهوم ناسیونالیسم می‌پردازیم.

جمع‌شیفتگی و ناسیونالیسم

مردم می‌توانند در نسبت با گروه‌های مختلف اجتماعی دچار جمع‌شیفتگی باشند. ولی هنگامی که با این لنز به سراغ بررسی گروه‌های ناسیونالیستی برویم، آنجا که بحث به نحوه نگرش نسبت به دیگر فرقه‌ها می‌رسد؛ می‌توان ویژگی‌های مشابهی میان ناسیونالیسم و جمع‌شیفتگی دید: تمنا برای

برتری ملی [۵]؛ گرچه که واقعیت‌های روانشناختی متفاوتی این دو سازه را می‌سازند. مثلاً ملی‌گرایان آشکارا سلطه‌جو هستند و ضعف و ناتوانی را انکار می‌کنند. آنها معتقدند که ملت‌شان باید به دیگران سلطه بورزد. [۶] ولی جمع‌شیفتگان به ضعف‌شان و بازشناسی نشدن‌شان تکیه می‌کنند تا کینه‌ورزی خود را مشروعیت ببخشند. [۷] با درنظر گرفتن همپوشانی بین دو مفهوم ناسیونالیسم و جمع‌شیفتگی ملی، آنکه حساسیت زیادی نسبت به مورد تهدید واقع شدن از سوی دیگر فرقه‌ها و تلافی‌جستن از سر کینه دارد، جمع‌شیفتگی است و نه ناسیونالیسم. [۸] نتایج یافته‌های اخیر نشان می‌دهد که جمع‌شیفتگی و ناسیونالیسم ممکن است از انگیزه‌های متفاوتی نیز ناشی شده باشند. ناسیونالیسم بیشتر با صورتی کلی‌تر از خودشیفتگی همبسته است؛ احساس اراده‌مند برتری نسبت به ملیت‌های دیگر. و تنها تا آنجا که پای این خودشیفتگی در میان باشد، می‌توان اعتمادبه‌نفس قوی را نیز میان این دو به‌عنوان یک عامل همبستگی در نظر گرفت، در غیر این صورت {یعنی در مواقعی که سوژه خودبزرگ‌بین نداشته باشیم} ناسیونالیسم، تنها با اعتمادبه‌نفس پایین همبسته است. و این بر خلاف جمع‌شیفتگی است که {سوژه‌اش} همبسته با اعتمادبه‌نفس ضعیف است و از تحقق خود ناامید. {در میان این سوژه‌ها} آسیب‌پذیر است.

پس اعتمادبه‌نفس پایین زیربنای هم جمع‌شیفتگی و هم ملی‌گرایی است و هر دو از هویت عمومی خود بعنوان ابزاری برای جبران کمبودهای عزت نفس استفاده می‌کنند. با این حال، آنها هم به شیوه‌های مختلفی و هم با علل متفاوتی پا به عرصه کینه‌ورزی نسبت به دیگر فرقه‌ها می‌گذارند. در حالی که کینه‌ای که ملی‌گرایان به دیگر فرقه‌ها می‌ورزند عملاً پرخاشگرانه و آشکارا سلطه‌جوست، کینه‌ی جمع‌شیفتگان به دیگر فرقه‌ها ذاتاً تدافعی‌ست. جمع‌شیفتگان به جای اینکه به دنبال غلبه و سلطه باشند، سعی دارند به تصویر گروه‌شان خدشه‌ای وارد نشود [۹]. البته که چنین چیزی این کینه‌ورزی را مشروع نمی‌کند، ولی انگیزه این قساوت‌ها از باوری‌ست که یک ملی‌گرا در اعمال سلطه دارد و نیز باور یک جمع‌شیفته مبنی بر حفظ تصویر فرقه‌اش از تهدیدات خارجی. همچنین، مهم است در نظر بگیریم که ملی‌گرایان سلطه‌جو ممکن است در نسبت با جمع‌شیفتگان، از این رتوریک که فرقه‌شان از سوی دیگر فرقه‌ها مورد تهدید واقع شده و عظمت جمعی‌شان دارد از دست می‌رود استفاده کنند تا از آنها برای رسیدن به مقاصد مطبوع خود سوءاستفاده کنند.

مطالعات پیشین

جمع‌شیفتگی؛ حساسیت بیش از اندازه به تهدیداتی که فرقه در معرض آن است و کینه‌ورزی تلافی‌جویانه نسبت به دیگر فرقه‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد که نگرش‌ها و رفتارهای کینه‌محور میان فرقه‌ها را می‌توان به وسیله مفهوم جمع‌شیفتگی بررسی کرد و نه خودشیفتگی یا احساس خودمحقق‌پنداری. [۱۰] به صورت خاص می‌توان به میانجی مفهوم جمع‌شیفتگی، ریشه کینه‌ورزی تلافی‌جویانه نسبت به تهدیداتی را فهمید که فرقه را هدف گرفته است؛ تهدیداتی که می‌خواهد واقعی باشد یا خیالی، مربوط به قدیم باشد یا حال. [۱۱] این جمع‌شیفتگی است که موجبات کینه‌ورزی انتقام‌جویانه میان فرقه‌ها را بوجود می‌آورد؛ آنهم زمانی که به تصویر فرقه توسط دیگر گروه‌ها خدشه وارد می‌شود. به‌عنوان مثال، حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، حمایت لازم را توسط جمع‌شیفتگان آمریکایی بدست آورد؛ چرا که آنها گمان می‌کردند در محاصره دشمنی سایر کشورها قرار گرفته‌اند. [۱۲] با این حال، این احساس که فرقه، مورد تهاجم دیگر گروه‌ها قرار گرفته است تنها خطری نیست که جمع‌شیفتگان را به سمت این کینه‌ورزی به دیگر فرقه‌ها سوق می‌دهد. تعصبی که جمع‌شیفته دارد از آنجا می‌آید که دیگر گروه‌ها را به عنوان تهدیدی برای تصویر گروه، موقعیتی که دارد و یا هویت نیم‌بند فرقه‌شان می‌بیند. مثلاً ارتباط میان جمع‌شیفتگی و یهودستیزی در لهستان از طریق باوری که ادعا می‌کرد یهودیان علیه لهستانی‌ها توطئه می‌کنند، توجیه می‌شد. جمع‌شیفتگی در لهستان با هم‌جنس‌گراهراسی نیز پیوند داشت؛ پیوندی که به میانجی مذهب‌یون بنیادگرا برقرار شد. چنین یافته‌هایی نشان می‌دهد که هویت نیم‌بند جمع‌شیفتگانی چون لهستانی «واقعی»، کاتولیک یا دگرجنس‌گرا تا چه میزان خودش را توسط هم‌جنس‌گرایان یا یهودیان در خطر می‌بیند. [۱۳] در چین نیز جمع‌شیفتگان، از عکس سلبریتی‌های آمریکایی روی جلد مجلات چینی خوششان نمی‌آید.

این یافته بر این نکته دلالت دارد که چینی‌ها از اینکه فرهنگ اصیل‌شان مورد نفوذ قرار گیرد خوششان نمی‌آید.

بعلاوه، میزانی که جمع‌شیفتگی در مواجهه با انتقادات نسبت به فرقه‌اش دست به کینه‌ورزی و انتقام می‌زند منحصر از انواع دیگر {سیمپتوم‌ها} نظیر خودشیفتگی فردی، اقتدارگرایی راستگرا، سلطه‌ورزی در اجتماع، هویت‌یابی ملی‌گرایانه، و میهن‌پرستی کورکورانه‌ی برساخته بیشتر است. مثلاً در یک مطالعه تجربی، بعد از اینکه مصاحبه‌ای ساختگی با یک دانشجوی خارجی به یک نمونه از مشارکت‌کنندگان آمریکایی نشان داده شد و آنها نظرات نامطلوب او درباره کشورشان را خواندند، جمع‌شيفتگان آمریکایی از انگیزه خود برای ابراز نفرت نسبت به تمام هم‌وطن‌های آن دانشجوی صحبت کردند. در مطالعه دیگری، هنگامی که دانشمندان لهستانی و انگلیسی عنصر شیمیایی جدیدی کشف کرده بودند ولی درباره نام‌گذاری آن اختلاف نظر داشتند، جمع‌شيفتگان لهستانی نسبت به دانشمندان انگلیسی دست به کینه‌ورزی زدند. آنها همچنین هنگامی که در معرض نظرات مطبوعات انگلیسی درباره یهودستیزی در لهستان قرار گرفتند، دست به اخذ استراتژی‌های مشابهی زدند و وقتی این نظرات به مطبوعات اتریشی نسبت داده شد رویکردشان در برابر همان مطبوعات انگلیسی مسالمت‌آمیز شد. در مطالعه دیگری، جمع‌شيفتگان اذعان داشتند که انتقاداتی را که دیگران به فرقه‌شان نسبت می‌دهند به شکل نوعی تهدید شخصی احساس می‌کنند و در تلافی تصمیماتی می‌گیرند که به تمام اعضای گروه منتقد ضربه بزند. چنین فهمی از انتقاد نسبت به فرقه که افراد آن را شخصاً تهدید قلمداد کنند، میانجی درک رابطه بین کینه‌ورزی تلافی‌جویانه و جمع‌شيفتگی است. [۱۱] این کینه‌ورزی برای جمع‌شيفتگان تنها مختص به موقعیت‌هایی نیست که گروهی دیگر صریحاً نسبت به آنها نقد یا تهدیدی وارد می‌کند، بلکه آنها در تمام موقعیت‌های مبهم و دوسویه و یا لحظاتی که {فهم موقعیت} نیاز به ذره‌ای ابتکار و تخیل دارد نیز احساس تهدید می‌کنند. مثلاً جمع‌شيفتگان مکزیکی در زمان ساخت دیوار مرزی از سوی آمریکا در سال ۲۰۰۶ احساس مورد توهین قرار گرفتن می‌کردند. البته در نظر داشته باشید که ساخت دیوار در ۲۰۰۶ نامحسوس بود و با آنکه در سال ۲۰۱۶ و دوره‌ی ترامپ رخ داد متفاوت بود؛ چرا که ترامپ صریحاً به مکزیکی‌ها توهین می‌کرد. بنا به اظهارات دولت آمریکا در آن زمان، ساخت دیوار اساساً بخاطر تهدیدات تروریستی بود. ولی به‌رحال جمع‌شيفتگان مکزیکی تلاش می‌کردند تا کمپانی‌های

آمریکایی را بایکوت کنند و حتی علیه نهادهای آمریکایی در مکزیک فعالیت‌های مخرب انجام می‌دادند، چرا که ساخت دیوار را توهینی به مکزیک و مکزیکی‌ها می‌دانستند. به طور مشابه، در ترکیه نیز این گروه‌ها از بحران اقتصادی اروپا خوشحال بودند چرا که بعد از انتظار طولانی کشورشان برای پذیرش در اتحادیه اروپا حس می‌کردند توسط آنها تحقیر شده‌اند. جمع‌شیفتگان در پرتغال نیز از اقدامات خصمانه نسبت به آلمانی‌ها حمایت می‌کردند چرا که احساس می‌کردند موقعیت آلمان در اتحادیه اروپا نسبت به موقعیت پرتغال بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

می‌توان در راستای بسط بیشتر مفهوم اهانت به دیگر گروه‌ها، به نفرت‌ورزی جمع‌شیفتگان در لهستان نسبت به سازندگان فیلمی نیز اشاره کرد که یکی از لحظات نه‌چندان درخشان در تاریخ لهستان، یعنی یهودستیزی در جنگ جهانی دوم، را تصویر کرده بود. حتی بعد از آنکه یک سلبریتی درباره دولت کشور جک مسخره‌ای ساخته بود، توسط آنها تهدید فیزیکی شد و آنها حتی بعدتر آشکارا از بیچاره‌شدن «تهدیدکننده‌ی» خود ابراز شادمانی کردند. [۸] این نتایج نشان می‌دهد که جمع‌شیفتگان نسبت به هر نشانه‌ای از اینکه تصویر فرقه‌شان مورد تهدید قرار گرفته چقدر حساس هستند و آن را توهین قلمداد می‌کنند؛ حتی زمانی که توهین بودن یک حرف مشکوک است و یا درست فهمیده نشده و یا اصلاً قصد گروه مذکور توهین نبوده. جمع‌شیفتگان تا جایی که پای تصویر فرقه‌شان در میان باشد اصلاً با کسی شوخی ندارند و در پاسخ آنچه که تهدید تصویر فرقه‌شان می‌دانند تنبیه نامتناسبی دارند.

چنین یافته‌هایی در پرتو تحلیل‌هایی اهمیت پیدا می‌کنند که نشان می‌دهند احساس تحقیر فرقه‌ای یکی از مهمترین انگیزه‌های گزارش شده برای انجام کنش رادیکال در سیاست و اعمال خشونت بوده است. [۱۴] در واقع تحقیقاتی که توسط کنسرسیوم ملی با حمایت وزارت امنیت داخلی ایالات متحده انجام شد نیز نشان داد که جمع‌شیفتگی تا چه حد در شبکه‌های اجتماعی در اندونزی و سریلانکا و مراکش منجر به حمایت از خشونت تروریستی شده است. در هر زمینه‌ی رادیکال اجتماعی، چه درباره‌ی خشونت سیاسی نظیر LTTE در سریلانکا^۱، چه فضای ایدئولوژیک کنونی

^۱ LTTE مخفف نام گروه شورشی ببرهای آزادی‌بخش ایلام تاویل در سریلانکا است که ادعای جدایی‌طلبی از شمال سریلانکا را داشتند و برای مدتی مناطقی را تحت اشغال داشتند که در نهایت توسط دولت این کشور سرکوب شدند. مترجم.

مراکش و چه برنامه‌های ایدئولوژیک جهادگرایان در اندونزی، این جمع‌شیفتگی بود که بذر حمایت از سیاست افراطی و خشن را کاشت. نمونه‌های شرکت‌کننده که در مقیاس جمع‌شیفتگی امتیاز بالایی کسب کردند و جزئی از شبکه‌های افراطی بودند، احساس می‌کردند که فرقه‌شان آنطور که شایسته بوده مورد قدردانی قرار نگرفته است و کینه‌ورزی نسبت به دیگر فرقه‌ها برای‌شان ابزاری برای رسیدن به اهداف فرقه بود. [۱۵]

پیدایش‌های جدید؛ جمع‌شیفتگی و ضعف‌های شخصیتی

همگام با آدورنو، مطالعات اخیر نیز نشان می‌دهد که جمع‌شیفتگان از عظمت اغراق‌آمیز فرقه‌شان به شدت محافظت می‌کنند چرا که آن را وسیله‌ای برای جبران ناامیدی از احساس تحقق‌یافتگی و کسب رضایت خاطر خودشان می‌دانند. مطالعات پیشین نشان می‌دهد که میان جمع‌شیفتگی و این احساس که انگار گروه‌های دیگر به قدر کافی سپاسگزار این گروه نیستند ارتباط وجود دارد. همچنین اینکه نمادهای این فرقه به شکل خودبخودی با محرک‌های مثبت نسبت برقرار نمی‌کند. [۱۶]

بعلاوه جمع‌شیفتگی به این نیز مربوط بود که فرد کنترل کمتری روی زندگی شخصی خود احساس می‌کند و توانایی این را ندارد که شخصا بر زندگی خود اثرگذار باشد. [۱۷]

بنابراین ممکن است برای جبران از دست دادن افسار زندگی، جمع‌شیفتگی به اوج برسد و هرچه بیشتر در عظمت گروه اغراق شود. [۱۸]

مطالعات اخیر روی نمونه‌های وسیع ملی و بازنمایی‌کننده در لهستان و روسیه نشان می‌داد که جمع‌شیفتگی بیشتر به اعتمادبنفس پایین و ضعف در خودشیفتگی مربوط است تا اینکه نمود کلی‌تری از خودشیفتگی در خود فرد باشد. تحلیل {متغیر} تسلط و دو تحلیل {متغیر} مهم دیگر نشان داد که نقش این کنترل و تسلط روی زندگی خود، واریانس جمع‌شیفتگی را آنچنان توضیح نمی‌دهد که وجود آسیب در خودشیفتگی خود فرد و اعتمادبنفسش. که به ترتیب (۰.۰۱) در برابر (۰.۰۷) و (۰.۰۲) در برابر (۰.۰۷) ارزیابی شدند. جمع‌شیفتگی حتی به خود-نکوهش‌گری، اندک‌بودن احساس پذیرش خود، تأثیرپذیری منفی و تمایل برای واکنش‌های شدید نسبت به محرک‌های محیطی نیز مربوط است. چنین یافته‌هایی نشان می‌دهد که برای جمع‌شیفتگان ضروری‌ست که در حفاظت از تصویر عظمت فرقه بکوشند. آنها از سویی احساس می‌کنند لایق نوعی برخورد ویژه هستند و در عین حال این حس را دارند که هم ناتوان‌اند و هم گمنام مانده‌اند.

نقص در توانایی مواجهه سازنده با ناملايمات و تلاش نکردن برای تسکین و ترمیم خود پس از حس تهدید نیز نتایجی دیگر این یافته‌هاست. جمع‌شیفتگان از آنجا که ممکن است نتوانند از خود در برابر اثرات ناخوشایند سختی‌های فردی مراقبت کنند، ممکن است برای آنکه احساس ارزشمندی خود را محقق کنند روی یک فرقه حساب باز کنند. پس وقتی که فرقه‌یشان تضعیف می‌شود نیز مستقیماً عزت‌نفس‌شان بی‌ثبات می‌شود. بنابراین آنها حواس‌شان را جمع می‌کنند تا نشانه‌هایی مبنی بر مورد تهدید واقع شدن تصویر فرقه‌یشان پیدا کنند و سپس بیخود احساساتی می‌شوند. احساسات آنها عمدتاً منفی است پس واکنش‌هایشان نیز همین‌طور است؛ ابراز خشم، تحقیر، کینه‌ورزی و پرخاشگری.

جمع‌شیفتگی و رضایت از فرقه

زمانی که پرزیدنت کندی به آمریکایی‌ها گفت که به این فکر نکنید که کشورتان برای شما چه کرده، به این فکر کنید که شما برای کشورتان چه کار کرده‌اید؛ متوجه بود که امکان هم‌زیستی دو نوع هویت در کنار یکدیگر وجود دارد: هویتی ذاتی و غیرابزاری در برابر هویتی ابزاری و منفعت‌محور. بنا به نتایج تحقیقات، بین احساس غرور و رضایت از عضویت در یک فرقه با جمع‌شیفتگی همبستگی وجود دارد. همبستگی بین جمع‌شیفتگی و عزت‌نفس افراد فرقه از ۰.۳۱ در ترکیه تا ۰.۵۰ در لهستان متغیر بود. همبستگی {میان جمع‌شیفتگی و رضایت از عضویت در فرقه از ۰.۴۸ تا ۰.۶۳ در لهستان متغیر بود. اگرچه تحقیقات همچنان نشان می‌دهد که این سازه‌ها بلحاظ عملکردی از هم متمایز هستند و به حالت‌های عاطفی متفاوتی مربوط هستند. بعلاوه این دوسازه با نگرش‌های متفاوتی به خود خویشتن مربوط می‌شوند. [۹] بر اساس این مطالعات {متغیر} رضایت از فرقه ارتباط مابین جمع‌شیفتگی و انکار گروه‌های دیگر را از بین می‌برد. پس از آنکه این هم‌پوشانی کنترل شد، این ارتباط میان جمع‌شیفتگی و عدم پذیرش گروه‌های دیگر، قوی‌تر نیز شد. همچنین جمع‌شیفتگی پیوند بین رضایت از فرقه و دیدگاه مثبت نسبت به گروه‌های دیگر را نیز از بین می‌برد. پس از اینکه این هم‌پوشانی نیز کنترل شد، ارتباط رضایت از فرقه و دیدگاه مثبت نسبت به دیگر گروه‌ها بیشتر شد. [۱۹] حذف این ارتباط بین جمع‌شیفتگی و مثبت‌گرایی در فرقه می‌تواند به عنوان مزایای فرقه، بدون داشتن احساس رضایت‌خاطر از تعلق به یک گروه ارزشمند فهمیده شود.

همچنین حذف بین رضایت از فرقه و جمع‌شیفتگی نیز می‌تواند به عنوان یک ارزیابی مثبت و مطمئن از فرقه فهمیده شود، مستقل از شناخت خارجی و انتقام‌جویی از تهدیدها و نقدها. در واقع بر خلاف جمع‌شیفتگی، رضایت از فرقه، داشتن حساسیت زیاد نسبت به تهدیدات فرقه‌های دیگر را توجیح نمی‌کرد، به باورهای خرافاتی درباره یهودیان یا ذهنیت سلطه‌جو مربوط نبود و همچنین با این باور توطئه درباره وضعیت فرقه‌های دیگر ارتباط منفی داشت.

همچنین بر خلاف جمع‌شیفتگی، رضایت از درون فرقه با حساسیت‌های مثبت، بهبود وضعیت روانی و رضایت از زندگی مربوط بود. رضایت از فرقه، به حس اطمینان و تعلق به یک شبکه از اجتماع و تمایل به تجربه‌ی سپاسگزاری مربوط بود. این تفاوت‌ها زمانی مشخص شد که همبستگی صفر دیده شد و هم‌پوشانی مثبت بین رضایت از فرقه و جمع‌شیفتگی کنترل شد. اگرچه برخی از این ارتباط‌ها هنگامی که متغیرهای به‌جا مانده تحلیل شد تغییر کرد. برای مثال ارتباط بین جمع‌شیفتگی و سپاسگزاری تغییر جهت داد که این نشان می‌داد که هم‌پوشانی بین جمع‌شیفتگی و رضایت از فرقه، مانع {مشاهده} این ارتباط شده بود. بعلاوه ارتباط بین رضایت از فرقه و اعتماد به نفس بالا وقتی که رضایت از فرقه و جمع‌شیفتگی کنترل شد بهتر شد که نشان می‌داد جمع‌شیفتگی تا حدی ارتباط مثبت بین رضایت از فرقه و اعتماد به نفس بالا را امتناع می‌کرد. یافته‌هایی که از سویی رضایت درون‌گروهی را با تأثیرپذیری مثبت و اعتماد به نفس بالا و از سویی دیگر، جمع‌شیفتگی را با تأثیرپذیری منفی و آسیب‌پذیر بودن خودشیفتگی و کینه‌ورزی به هم ارتباط می‌داد، در راستای به‌کارگیری نظریه‌ی خودتعیین‌گری برای فهم فرایندهای هویت اجتماعی‌ست. این ادبیات نشان می‌دهد که انگیزه‌های غیر خودتعیین‌گر به وسیله گروه‌های اجتماعی شناسایی می‌شوند. مثلاً حساب باز کردن جمع‌شیفته روی ارزشی که فرد توسط هویت فرقه خود پیدا می‌کند، با تعصب نسبت به فرقه، آغاز به کار مکانیزم دفاعی و دیدگاه‌های منفی نسبت به فرقه‌های دیگر مربوط بود. رضایت از گروه نیز هنگامی که مثبت و نامشروط و ذاتی باشد به عزت‌نفس بالا و تسامح نسبت به فرقه‌های دیگر مربوط است [۲۰].

رهیافت‌های آینده:

جمع‌شيفتگان نسبت به ديگر فرقه‌ها کينه می‌ورزند چرا که آنها روی این حساب باز کرده‌اند که از خلال هویت‌های فرقه‌شان احساس ارزشمند بودن بکنند، پس انگیزه‌ی زیادی برای مصون نگه‌داشتن فرقه‌شان، یعنی نگاه‌داشت تصویر فردی خود دارند. اگرچه که تنها راه سرکردن با ضعف‌های شخصیتی این نیست که در هویت فرقه به‌دنبال ارزش گشت. یافته‌هایی نشان می‌دهند که راه‌های دیگری نیز برای تثبیت و مهار عواطف و انعطاف‌پذیری در برابر تهدیدات وجود دارد، نظیر تأییدکردن خود. مطالعات آینده می‌تواند نشان دهد که آیا به وسیله چنین مداخلاتی، با پروار کردن ذهنیت زودآسیب جمع‌شيفته‌وار نسبت به خود، ارتباط بین جمع‌شيفتگی و کينه‌ورزی انتقام‌جویانه نسبت به ديگر گروه‌ها ضعیف می‌شود یا خیر. مطالعاتی نشان داد که تأییدکردن خود در نوجوانان، ارتباط بین پرخاشگری به ديگر افراد، و صورت کلی‌تر خودشيفتگی را کاهش می‌دهد. احتمالاً چنین مداخلاتی می‌تواند ارتباط بین جمع‌شيفتگی و کينه‌ورزی تلافی‌جویانه به ديگر فرقه‌ها را نیز کاهش دهد. مطالعات آینده همچنین می‌تواند بررسی کند که آیا می‌توان در شکل‌گرفتن دیدگاه نسبت به ديگر گروه‌ها جمع‌شيفتگی را از تأکید انداخت یا خیر. مطالعاتی نشان داد که اگر نتوان تمیزی میان جمع‌شيفتگی و رضایت از گروه قائل شد، نتایج منفی جمع‌شيفتگی در ایجاد نگرش نسبت به روابط با ديگر فرقه‌ها کاهش می‌یابد. [۲۱] مطالعات آینده به خوبی نشان خواهد داد که رضایت از گروه چه زمانی و چگونه می‌تواند تأثیری بیشتر از جمع‌شيفتگی در شکل‌دادن به روابط با گروه‌های ديگر داشته باشد. مطالعات آینده همچنین می‌تواند درک ما از طبیعت جمع‌شيفتگی را به‌عنوان یک متغیر مستقل و متفاوت ارتقا دهد. هنوز کاملاً مشخص نیست که آیا جمع‌شيفتگی یک تمایل کلی‌ست که یک دل‌بستگی خودشيفته‌وار به تمام گروه‌های اجتماعی که مردم جزئی از آن هستند ایجاد کند یا گروه‌هایی هستند که بیش از ديگران جمع‌شيفتگی را القا می‌کنند. گروه‌هایی که موجودیت مجسمی دارند، مثل گروه‌های قومی، مذهبی، ملی یا احزاب سیاسی احتمالاً بیشتر جمع‌شيفتگی را ترویج می‌کنند. اگرچه که می‌توان جمع‌شيفتگی را در میان بعضی از اعضای گروه‌های پیش‌پا افتاده‌تر و بی‌قیدتر نیز نظیر دانشجویان یک دانشگاه خاص یا کارگران یک سازمان نیز نشان داد. مسأله‌ی دیگری که نیاز به بررسی دارد این است که آیا مراحل جمع‌شيفتگی می‌توانند وابسته به موقعیت، تغییر پیدا کنند یا خیر. یک مطالعه‌ی منتشر نشده نشان می‌دهد که بازخورد منفی به فرقه‌ی دانشجویان منتج به تقویت جمع‌شيفتگی شد. پررنگ‌شدن یک رتوریک سیاسی که بر شکاف‌های

اجتماعی و ایده‌آل‌سازی از فرقه تأکید دارد می‌تواند جمع‌شیفتگی را در این فرقه افزایش دهد. تعارضات بین گروه‌ها و فرقه‌ها نیز می‌تواند نسبت به گروهی که بخشی از این تعارض است افزایش دهد نه به دیگر گروه‌های خودی. حتی جمع‌شیفتگی می‌تواند میان گروه‌هایی که محرومیت نسبی را تجربه می‌کنند افزایش پیدا کند. در زمینه درک ضعف و محرومیت، مطالعات آینده باید به دقت شرایطی را که جمع‌شیفتگی و میل به کینه و انتقام از گروه‌های دیگر را زیاد می‌کنند از شرایطی که تعهد به مشارکت در یک اعتراض اجتماعی مصالحت‌آمیز، مقاومت و یا نافرمانی مدنی را به نمایندگی از ارزش‌هایی که درون فرقه است زیاد می‌کند، تمیز دهند. در نهایت جمع‌شیفتگی می‌تواند فهم ما را ارتباط بین جمع‌شیفتگی و صورت کلی‌تر خودشیفتگی را بهبود دهد. خلاصه‌ای که در جدول ۲ آورده شد نشان می‌دهد که جمع‌شیفتگی در آمریکا و ایتالیا با صورت کلی‌تری از خودشیفتگی فردی مرتبط است اما نه در لهستان و روسیه و چین. این داده همگام با این گزاره است که بسته به بافتار فرهنگی، ارتباط بین جمع‌شیفتگی و خودشیفتگی می‌تواند دستخوش تغییر شود. به نظر می‌رسد که زمینه‌های فرهنگی فردگرایانه که امکان ایجاد یک ایگوی قوی را می‌دهند می‌توانند ارتباط هم‌جهتی میان جمع‌شیفتگی، و صورت کلی‌تر خودشیفتگی ایجاد کنند. همگام با همین گزاره، این رابطه در فرهنگ‌های فردگرا یافت شد. جایی که معطوف کردن عظمت فردی در گروه محتمل‌تر است. در این فرهنگ‌های جمع‌گرا، تعهد به یک فرقه ممکن است با تسلیم نیازها و اهداف فردی همراه باشد، بنابراین ارتباطی بین خودشیفتگی و جمع‌شیفتگی برقرار نمی‌شود.

به طور خلاصه، جمع‌شیفتگی شکل مشخصی از نگرش مثبت نسبت به یک فرقه است که منحصرًا خصومت به دیگر فرقه‌ها را در زمینه تهدید دیگر گروه‌ها نشان می‌دهد. بیشتر به ایجاد کینه نسبت به دیگر فرقه‌ها مربوط است تا خودشیفتگی، عزت نفس یا فرم‌های دیگری از دیدگاه‌های مثبت نسبت به گروه. با توجه به پیش‌آیند‌ها و نتایج بدست آمده، جمع‌شیفتگی ملی می‌تواند از ملی‌گرایی تمیز داده شود. جمع‌شیفتگی ارتباط بین رضایت از گروه و داشتن دیدگاه‌های مثبت نسبت به دیگر گروه‌ها را از بین می‌برد که این نشان می‌دهد که رضایت از گروه به واقعیت روانشناختی متفاوتی نسبت به جمع‌شیفتگی اشاره دارد و می‌تواند به عنوان بستری برپا ایجاد روابط بین‌گروهی همدلانه عمل کند.

جدول ۱: سنجهی جمع‌شیفتگی:

توصیه‌ی معمول: لطفا وقتی که موارد این سنجه را پاسخ می‌دهید، درباره {این گروه} فکر کنید. لطفا نشان دهید که چه میزان شما با این عبارات موافق یا مخالف هستید؛ از ۱ = بیشترین مخالفت تا ۶ = بیشترین موافقت.
۱- دوست داشتم که گروه‌های دیگر سریع‌تر اقتدار گروه من را بپذیرند. ۲- گروه من سزاوار رفتار خاصی است. ۳- من هیچ‌وقت تا زمانی که گروه‌ام به شکلی که شایسته آن است بازشناسی نشود راضی نخواهم بود. ۴- من پافشاری می‌کنم تا گروهم احترامی را که سزاراورش است دریافت کند. ۵- این جدا من را عصبانی می‌کند که دیگران گروه من را نقد می‌کنند. ۶- اگر گروه من اختیار بزرگی در جهان داشت، دنیا جای خیلی بهتری می‌شد. ۷- از اینکه دیگران به دستاوردهای گروه من توجهی نمی‌کنند ناراحت نمی‌شوم. ۸- به نظر، بیشتر مردم اهمیت گروه من را درک نمی‌کنند. ۹- ارزش واقعی گروه من بیشتر وقت‌ها اشتباه فهمیده می‌شود.

جدول ۲: خلاصه روابط میان جمع‌شیفتگی و صورت کلی‌تر خودشیفتگی فردی که توسط پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI)^۲ و آسیب‌پذیر بودن خودشیفتگی فردی توسط مقیاس حساسیت بیش از حد خودشیفتگی (HSNS)^۳ اندازه‌گیری شده است. * نشان‌دهنده همبستگی معنادار است.

تعداد	r ^۲ (آسیب پذیر بودن خودشیفتگی)	r ^۳ (صورت کلی خودشیفتگی)	کشور	عنوان مطالعه
۱۱۷		-.۰۹	لهستان	Golec de Zavala, et al., NPI, Study ۳, ۲۰۱۳

^۲ Narcissistic Personality Inventory

^۳ Hyper-Sensitive Narcissism Scale

۲	Golec de Zavala, et al., ۲۰۱۳, Study ۴, NPI	لهستان	.۲۴*		۸۰
۳	Golec de Zavala, et al., ۲۰۱۳, Study ۱, NPI	آمریکا	.۱۸*		۱۳۴
۴	Golec de Zavala, et al., ۲۰۰۹, Study ۲, NPI	انگلستان	.۲۷*		۹۲
۵	Golec de Zavala, et al., ۲۰۱۳, Study ۲, NPI	آمریکا	.۲۹*		۱۰۸
۶	Cai & Gries, ۲۰۱۳, Study ۱, NPI	آمریکا	.۱۵*		۲۷۹
۷	Cai & Gries, ۲۰۱۳, Study ۱, NPI	چین	.۰۴		۴۳۶
۸	Cichocka, et al., ۲۰۱۵, Study ۲, NPQC	آمریکا	.۳۵*		۲۶۹
۱۰	Golec de Zavala, unpublished, NPI, HSNS	لهستان	.۰۴	.۱۵*	۵۶۹

۱۱	Golec de Zavala, et al., ۲۰۱۶, Study ۴, NPI, HSNS	لهستان	-.۰۰۸	.۲۵*	۴۲۷
۱۲	Golec de Zavala, et al., ۲۰۱۷, Study ۱, NPI, HSNS	روسیه	.۰۲	.۰۹*	۱۱۹۸
۱۳	Golec de Zavala, et al., ۲۰۱۷, Study ۲, NPI, HSNS	لهستان	.۰۳	.۲۴*	۵۰۶
۱۴	Golec de Zavala, et al., ۲۰۱۷, Study ۳, NPI, HSNS	لهستان	.۰۷	.۲۴*	۱۰۶۵
۱۵	Murteira, unpublished, HSNS	پرتغال		.۱۸*	۲۷۶

خلاصه متا تحلیلی داده های مربوط به رابطه بین خودشیفتگی جمعی و صورت کلی تر خودشیفتگی، نشان دهنده تأثیر کمی است (۰.۰۹). میانگین وزنی اثر برآورد شده توسط مدل اثرات تصادفی به طور معنی داری بزرگتر از صفر و ناهمگونی معنی دار بین کشورها بود:

$(SE=۰,۰۳, ۹۵\%CI[۰,۰۳;۰,۱۵]; z=۳,۲۰, p=.۰۰۴, k=۱۳)$

$(Q(۱۲)=۵۳,۰۳, p<.۰۰۱)$

اینکه رابطه در ایالات متحده و انگلستان برقرار نمی شود و از آن سو، در چین روسیه و لهستان برقرار می شود نشان دهنده تفاوت معنی دار در میانگین اثرات بین آن دو گروه از کشورها بود و هیچ واریانس معنی داری در داخل کشور وجود نداشت:

$$(Q(2)=42,46, p<.001)$$

$$(Q(10)=10,61, p=.39)$$

$$(p=.25, SE=.04, 95\%CI[.18;.31]; z=7.26, p<.001, k=5),$$

$$(p=.01, SE=.02, 95\%CI[-.03;.04]; z=.35, p=.77, k=8).$$

خلاصه متاتحلیلی از داده‌ها که به رابطه بین جمع‌شيفتگی و آسیب‌پذیر بودن خودشيفتگی می‌پردازند، نشان‌دهنده‌ی تأثیر اندک رابطه این دو است (۰.۱۹). میانگین وزنی اثر برآوردشده توسط مدل اثرات تصادفی به طور معنی‌داری بزرگ‌تر از صفر بود:

(SE=.03, 95%CI[.13;.25]; z=6.06, p<.001, k=6) with a significant

heterogeneity ($Q(5)=17,9, p=.003$).

References

- [۱] "Golec de Zavala, Cichocka, Eidelson, & Jayawickreme, ۲۰۰۹; Golec de Zavala, ۲۰۱۱, ۲۰۱۲".
- [۲] "(Morf & Rhodewalt, ۲۰۰۱)".
- [۳] "Adorno, ۱۹۶۳/۱۹۹۸".
- [۴] "Golec de Zavala, Guerra & Símão, ۲۰۱۷".
- [۵] "Kosterman & Feshbach, ۱۹۸۹".
- [۶] "Blank and Schmidt, ۲۰۰۳; Mummendey, Klink & Brown, ۲۰۰۱; Kosterman & Feshbach, ۱۹۸۹; Pehrson, Brown, & Zagefka, ۲۰۰۹".
- [۷] "Golec de Zavala, et al., ۲۰۱۷".
- [۸] "Golec de Zavala, et al., ۲۰۱۶".
- [۹] "Golec de Zavala, et al., ۲۰۱۶".
- [۱۰] "Cai & Gries, ۲۰۱۳; Golec de Zavala, et al., ۲۰۰۹; Golec de Zavala, Cichocka, & Iskra-Golec, ۲۰۱۳; Golec de Zavala, Cichocka, & Bilewicz, ۲۰۱۳; Golec de Zavala, Pekker, Guerra, & Baran, ۲۰۱۶".
- [۱۱] "Golec de Zavala, et al., ۲۰۰۹, ۲۰۱۳a, ۲۰۱۶".
- [۱۲] "Golec de Zavala et al., ۲۰۰۹".
- [۱۳] "Golec de Zavala & Mole, ۲۰۱۷; see also Góraska & Mikołajczyk, ۲۰۱۵".
- [۱۴] "McCauley & Moskalenko, ۲۰۰۸".
- [۱۵] W. & K. ۲. Jaśko.
- [۱۶] "Golec de Zavala, et al., ۲۰۰۹".
- [۱۷] "Deci & Ryan, ۲۰۰۰".
- [۱۸] "Cichocka, Golec de Zavala et al., ۲۰۱۷".

[۱۹] ۲. Golec de Zavala and ۲. Golec de Zavala et al.

[۲۰] "Amiot & Aubin, ۲۰۱۳; Amiot & Sansfaçon, ۲۰۱۱; Legault & Amiot, ۲۰۱۴".

[۲۱] e. a. ۲. Cichocka and e. a. ۲. ۲. Golec de Zavala.

[۲۲] "Amiot & Aubin, ۲۰۱۳; Leach, et al., ۲۰۰۸).".

[۲۳] "Golec de Zavala & Cichocka, ۲۰۱۲".

[۲۴] "Graff, ۲۰۱۰".

Adorno, T. (۱۹۶۳/۱۹۹۸). *Critical models: Interventions and catchwords*. New York: Columbia University Press.

Amiot, C. E., & Aubin, R. M. (۲۰۱۳). Why and how are you attached to your social group? Investigating different forms of social identification. *British Journal of Social Psychology*, 52, ۵۶۳-۵۸۶. doi:۱۰,۱۱۱۱/bjso.۱۲۰۰۴

Amiot, C. E., & Sansfaçon, S. (۲۰۱۱). Motivations to identify with social groups: A look at their positive and negative consequences. *Group Dynamics: Theory, Research, and Practice*, 15(۲), ۱۰۵.

Blank, T., & Schmidt, P. (۲۰۰۳). National identity in a united Germany: Nationalism or patriotism? An empirical test with representative data. *Political Psychology*, 24, ۲۸۹-۳۱۲. doi: ۱۰,۱۱۱۱/۰۱۶۲-۸۹۵X.۰۰۳۲۹

- Cai, H., & Gries, P. (۲۰۱۳). National narcissism: Internal dimensions and international correlates. *PsyCh Journal*, 2, ۱۲۲-۱۳۲. doi: ۱۰,۱۰۰۲/pchj.۲۶
- Cichocka, A., Golec de Zavala, A., Marchlewska, M., Bilewicz, M., Jaworska, M., & Olechowski, M. (۲۰۱۷). Personal control decreases narcissistic but increases non-narcissistic in-group positivity. *Journal of Personality*. DOI: ۱۰,۱۱۱۱/jopy.۱۲۳۲۸
- Cichocka, A., Marchlewska, M., Golec de Zavala, A., & Olechowski, M. (۲۰۱۶). “They will not control us”: In-group positivity and belief in intergroup conspiracies. *British Journal of Psychology*, 107, ۵۵۶-۵۷۶. doi: ۱۰,۱۱۱۱/bjop.۱۲۱۵۸
- Cohen, G. & Sherman, D. (۲۰۱۴). The Psychology of Change: Self-Affirmation and Social Psychological Intervention. *Annual Reviews of Psychology*, ۶۵, ۳۳۳-۳۷۱.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (۲۰۰۰). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*, 11, ۲۲۷-۲۶۸.
- Federico, C., & Golec de Zavala, (۲۰۱۷). *Collective Narcissism and the 2016 United States Presidential Vote*. Manuscript under revision.
- Galvin, B. M., Lange, D., & Ashforth, B. E. (۲۰۱۵). Narcissistic organizational identification: Seeing oneself as central to the organization's identity.

Academy of Management Review, ۴۰, ۱۶۳-۱۸۱.

doi:۱۰,۵۴۶۵/amr.۲۰۱۳,۰۱۰۳

Golec de Zavala, A. (۲۰۱۰). Negative evaluation of the group increases collective narcissism and intergroup hostility under intergroup threat. Working Paper. British Academy, London.

Golec de Zavala, A. (۲۰۱۱). Collective narcissism and intergroup hostility: The dark side of 'in-group love'. *Social and Personality Psychology Compass*, 5(۶), ۳۰۹-۳۲۰.

Golec de Zavala, A. (۲۰۱۲). Collective narcissism. (pp. ۱۵۱-۱۵۵) In D. J. Christie (Ed.), *Encyclopedia of Peace Psychology*. Hoboken, New Jersey: Wiley-Blackwell.

Golec de Zavala, A. (۲۰۱۷). *Differential association of collective narcissism and in-group satisfaction with psychological wellbeing and prosociality*. Manuscript under preparation

Golec de Zavala, A., & Cichocka, A. (۲۰۱۲). Collective narcissism and anti-Semitism in Poland. *Group Processes and Intergroup Relations*, 15, ۲۱۳-۲۲۹. □□□: ۱۰.۱۱۷۷/۱۳۶۸۴۳۰۲۱۱۴۲۰۸۹۱

Golec de Zavala, A., Cichocka, A., & Bilewicz, M. (۲۰۱۳b). The paradox of in-group love: Differentiating collective narcissism advances understanding of

- the relationship between in-group and out-group attitudes. *Journal of Personality*, 81, ۱۶-۲۸. doi: ۱۰.۱۱۱۱/j.۱۴۶۷-۶۴۹۴.۲۰۱۲.۰۰۷۷۹.x
- Golec de Zavala, A., Cichocka, A., & Iskra-Golec, I. (۲۰۱۳a). Collective narcissism moderates the effect of in-group image threat on intergroup hostility. *Journal of Personality and Social Psychology*, 104, ۱۰۱۹-۱۰۳۹. doi: ۱۰.۱۰۳۷/a۰۰۳۲۲۱۵
- Golec de Zavala, A., Cichocka, A., Eidelson, R., & Jayawickreme, N. (۲۰۰۹). Collective narcissism and its social consequences. *Journal of Personality and Social Psychology*, 97, ۱۰۷۴ -۱۰۹۶. doi: ۱۰.۱۰۳۷/a۰۰۱۶۹۰۴
- Golec de Zavala, A. & Federico, C. (۲۰۱۷). *Collective Narcissism and the Growth of Conspiratorial Thinking Over The Course of the 2016 United States Presidential Election: A Longitudinal Analysis*. Manuscript provisionally accepted for a special issue of European Journal of Social Psychology on Conspiracy Theories
- Golec de Zavala, A., Guerra, R., & Símão, C. (۲۰۱۷). *The relationship between the Brexit vote and individual predictors of prejudice: Collective narcissism, right wing authoritarianism and social dominance orientation*. Manuscript presented at the Annual Meeting of European Association of Social Psychology, Granada, Spain.

- Golec de Zavala, A & Mole, R. (۲۰۱۷). *Homophobia and collective narcissism in contemporary Poland*. Manuscript under preparation.
- Golec de Zavala, A., Peker, M., Guerra, R., & Baran, T. (۲۰۱۶). Collective Narcissism Predicts Hypersensitivity to In-group Insult and Direct and Indirect Retaliatory Intergroup Hostility. *European Journal of Personality*, 30(۶), ۵۳۲-۵۵۱.
- Golec de Zavala, A., & Schatz, R. (۲۰۱۳). Extreme forms of in-group positivity and their negative consequences for intergroup relations. In Golec de Zavala, A. & Chicocka, A. (Eds). *Social psychology of social problems. The intergroup context*. London: Palgrave MacMillan.
- Golec de Zavala, A., Sedikides, C., Lantos, D., Baran, T., Murteira, C. & Artamanova, E. (۲۰۱۷). *Untangling the relationships between self-views and in-group positivity: vulnerable collective narcissism, grandiose nationalism and non-contingent in-group satisfaction*. Manuscript submitted
- Górska, P. and Mikołajczak, M. (۲۰۱۵) 'Tradycyjne i nowoczesne uprzedzenia wobec osób homoseksualnych w Polsce' in Stefaniak, A., Bilewicz, M. and Winiewski, M. (eds) *Uprzedzenia w Polsce*. Warsaw: Liberi Libri, ۱۷۹-۲۰۶
- Graff, A. (۲۰۱۰). Looking at Pictures of Gay Men: Political Uses of Homophobia in Contemporary Poland. *Public Culture*, 22, ۵۸۳-۶۰۳.

Gries, P., Sanders, M., Stroup, D., & Cai, H. (۲۰۱۵). Hollywood in China: How American popular culture shapes Chinese views of the 'Beautiful Imperialist,' na experimental analysis. *The China Quarterly*, 224, ۱۰۷۰-۱۰۸۲. doi:۱۰.۱۰۱۷/S۰۳۰۵۷۴۱۰۱۵۰۰۰۸۳۱

Guerra, R., Golec de Zavala, A., Neves, T. (۲۰۱۷). Fraternalistic deprivation, collective narcissism and intergroup hostility in Europe. ۱۸th European Association of Social Psychology General Meeting, ۵-۸ July Granada, Spain.

Jaśko, K., Webber, D., & Kruglanski, A., (۲۰۱۷) Relative effects of individual and group-based quest for significance on violent extremism depends on the social context. Paper accepted for presentation at the Annual Meeting of European Association of Social Psychology, Granada, Spain.

Kosterman, R., & Feshbach, S. (۱۹۸۹). Toward a measure of patriotic and nationalistic attitudes. *Political Psychology*, 10, ۲۵۷-۲۷۴. doi: ۱۰,۲۳۰۷/۳۷۹۱۶۴۷

Leach, C. W., van Zomeren, M., Zebel, S., Vliek, M. L., Pennekamp, S. F., Doosje, B., ... & Spears, R. (۲۰۰۸). Group-level self-definition and self-investment: a hierarchical (multicomponent) model of in-group identification. *Journal of*

Personality and Social Psychology, 95, ۱۴۴-۱۶۵. doi: ۱۰.۱۰۳۷/۰۰۲۲-

۳۵۱۴,۹۵,۱,۱۴۴

- Legault, L., & Amiot, C. E. (۲۰۱۴). The Role of Autonomy in Intergroup Processes: Toward an Integration of Self-Determination Theory and Intergroup Approaches. In *Human Motivation and Interpersonal Relationships* (pp. ۱۵۹-۱۹۰). Springer Netherlands.
- Luhtanen, R. & Crocker, J. (۱۹۹۲). A collective self-esteem scale: Self-evaluation of one's social identity. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18, ۳۰۲-۳۱۸. doi: ۱۰,۱۱۷۷/۰۱۴۶۱۶۷۲۹۲۱۸۳۰۰۶
- Lyons, P. A., Coursey, L. E., & Kenworthy, J. B. (۲۰۱۳). National identity and group narcissism as predictors of intergroup attitudes toward undocumented Latino immigrants in the United States. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 35, ۳۲۳-۳۳۵. doi: ۱۰,۱۱۷۷/۰۷۳۹۹۸۶۳۱۳۴۸۸۰۹۰
- Lyons, P. A., Kenworthy, J., & Popan, J. (۲۰۱۰). In-group identification and group-level narcissism as predictors of U.S. citizens' attitudes and behavior toward Arab immigrants. *Personality and Social Psychology Bulletin*, ۳۶, ۱۲۶۷-۱۲۸۰. doi: ۱۰,۱۱۷۷/۰۱۴۶۱۶۷۲۱۰۳۸۰۶۰۴
- McCauley, C. & Moskaleiko, S. (۲۰۰۸). Mechanisms of political radicalization: pathways toward terrorism. *Terrorism and Political Violence*, 20, ۴۱۵-۴۳۳, doi: ۱۰,۱۰۸۰/۰۹۵۴۶۵۵۰۸۰۲۰۷۳۳۶۷

- Morf, C. C., & Rhodewalt, F. (۲۰۰۱). Unraveling the paradoxes of narcissism: A dynamic self-regulatory processing model. *Psychological Inquiry*, 12, ۱۷۷-۱۹۶. doi: ۱۰.۱۲۰۷/S1۵۳۲۷۹۶۵PLI۱۲۰۴_۱
- Mummendey, A., Klink, A., & Brown, R. (۲۰۰۱). Nationalism and patriotism: National identification and out-group rejection. *British Journal of Social Psychology*, 40, ۱۵۹-۱۷۲. doi: ۱۰.۱۳۴۸/۰۱۴۴۶۶۶۰۱۱۶۴۷۴۰
- Pehrson, S., Brown, R., & Zagefka, H. (۲۰۰۹). When does national identification lead to the rejection of immigrants? Cross-sectional and longitudinal evidence for the role of essentialist in-group definitions. *British Journal of Social Psychology*, 48(۱), ۶۱-۷۶.
- Pratto, F., Sidanius, J., Stallworth, L. M., & Malle, B. F. (۱۹۹۴). Social dominance orientation: A personality variable predicting social and political attitudes. *Journal of personality and social psychology*, 67(۴), ۷۴۱.
- Schatz, R. T., Staub, E., & Lavine, H. (۱۹۹۹). On the varieties of national attachment: Blind versus constructive patriotism. *Political Psychology*, 20, ۱۵۱-۱۷۴. doi: ۱۰.۱۱۱۱/۰۱۶۲-۸۹۵X.۰۰۱۴۰
- Thomaes, S., Bushman, B. J., de Castro, B. O., Cohen, G. L., & Denissen, J. J. (۲۰۰۹). Reducing narcissistic aggression by buttressing self-esteem: An

experimental field study. *Psychological Science*, 20, ۱۵۳۶-۱۵۴۲. doi:

۱۰.۱۱۱۱/j.۱۴۶۷-۹۲۸۰.۲۰۰۹.۰۲۴۷۸.X